

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary - Social

ادبی - اجتماعی

نعمت الله مختارزاده

۳۰ سپتمبر ۲۰۰۸ شهر اسن آلمان

زکاتِ حُسن

به تو تمکین و صفا می زبید
عشوه و ناز و ادا می زبید
مرکز مهر و وفایی، صنما
کَمکی، جور و جفا می زبید
گهی دل بردن و گه، دل دادن
مهربانی و سخا می زبید
شام گردید و همه منتظرند
حُکم افطار، ترا می زبید
گرهلال رخ تو، روزه شکن
به همه دین، بقا می زبید
به تو زکاتِ حُسن، فرض شده
که مرا، نامِ گدا می زبید
رمضان آمد و رفت، عید رسید
عیدی برما، فقرا می زبید
دست من در طلبِ تحفه دراز
خیر و خیراتِ شما می زبید
شب عیدست و ز خون دل من
به دو دست تو، حنا می زبید
روژه هموطنان، باد قبول
ز منت، صرف، دعا می زبید
حال از شاعر گستاخ، شنو
یادی از کرب و بلا می زبید
ای الاهی! به من الهام فرست
برملا، ریب و ریای می زبید

جمعی بنشسته پی (فند ریزنگ)
لقبی ، شیخ و ملامی زبید
ده لک و قرضه با سود ز بانک
جمع ، بی چون و چرا می زبید
کش و چک ایورو و هم دالر و پوند
نیم آن کرده هوامی زبید
وای بر تاجر و ، بر تاجره ها
ز ره دین ، ربامی زبید
بیوه زن ، نان ندارد به وطن
سنگ مسجد ، ز طلا می زبید
خون دل میچکد از چشم یتیم
سر و جانم ، به فدا می زبید
نه شفا خانه و نه مدرسه ای
دانش و علم ، فنا می زبید
ای برادر ، کمی انصاف نما
ترک هر گونه دغامی زبید
ز ره دین ، تجارت تاکی
به شما ، قهر خدا می زبید
علما ! حرف مرا گوش کنید
ترسی از روز جزا می زبید
زائر دل شده اعمار کنید
خانه ای در دوسرا می زبید
« نعمتا » نقد ، به امر علما
حلقه دار ، ترامی زبید